

Structuring the History of Eras of Political Theology in the Period of the Islamic Republic (With Emphasis on the Qom Seminary)

Ali Aghajani

PhD, Department of Political Science, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. aqajani@rihu.ac.ir

Abstract

The present study aims to structure the history of the eras of political theology in the period of the Islamic Republic, with an emphasis on the Qom Seminary. The research is based on the hypothesis that the historical periods of political theology can be observed within the general history of theological knowledge, divided into four main periods with possible sub-periods: from 1922 (the establishment of the Qom Seminary) to 1981, from 1981 to 1989, from 1989 to 2005, and from 2005 to the present. In the contemporary era, these periods have been heavily influenced by both subjective and objective transformations associated with the emergence of modernity. Since its inception, the Islamic Republic has played a pivotal role in political theological transformations, both actively and reactively. The evolution and comparison of these periods can be traced in two domains: the evolution of contested subjects and the evolution of political movements in relation to these contested subjects. In the evolution of contested subjects, certain topics have remained under discussion and theological debate across all four periods examined in the research, such as the role of the people in the legitimacy of government and the concept of the Guardianship of the Islamic Jurist (Velayat-e Faqih). Some subjects have been prominent in three periods, like the notion of freedom in Islam, which is discussed in the first, third, and fourth periods. Other topics have been contested in one or two periods, such as human rights, which received special attention in one period, although it is also noted in the subsequent period without the same intensity. The political dimensions of monotheism have unique literature primarily in the foundational period.

Keywords: Shia Political Theology, Qom Seminary, Islamic Theology, Principlists, Reformists, Legitimacy, Democracy, Justice.

Received: 2023-04-30 ; Received in revised form: 2023-05-26 ; Accepted: 2023-06-30 ; Published online: 2023-12-26
<https://doi.org/10.22034/SM.2024.543354.1781>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



صورت‌بندی تاریخ ادوار کلام سیاسی در دوره جمهوری اسلامی (با تأکید بر حوزه علمیه قم)

علی آقاجانی

دکتری، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. aqajani@rihu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر صورت‌بندی تاریخ ادوار کلام سیاسی در دوره جمهوری اسلامی با تأکید بر حوزه علمیه قم است. پژوهش بر این فرضیه استوار است که ادوار تاریخی کلام سیاسی، ذیل تاریخ عمومی دانش کلام قابل رصد است که در کل چهار دوره عام با زیر دوره‌های احتمالی دوره ۱۳۰۱ (تأسیس حوزه علمیه قم) تا ۱۳۶۰، دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸، دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴، دوره ۱۳۸۴ تاکنون را می‌توان برشمرد که در دوره معاصر به شدت تحت تأثیر تحولات ذهنی و عینی مرتبط با ظهور مدرنیته است و جمهوری اسلامی از بدو تأسیس تاکنون، هم به صورت کنشی و هم واکنشی نقش محوری در تحولات کلامی سیاسی دارد. سیر تطور و مقایسه ادوار را در دو حوزه می‌توان پی گرفت. سیر تطور موضوعات مورد مناقشه، و سیر تطور جریان‌های سیاسی در نسبت با موضوعات مورد مناقشه. در سیر تطور موضوعات مورد مناقشه، در برخی موارد موضوعاتی در هر چهار دوره مورد نظر پژوهش همچنان مورد مناقشه و بحث کلامی هستند. مانند نقش مردم در مشروعیت حکومت یا بحث ولایت فقیه، که در هر چهار دوره مطرح می‌باشند. برخی در سه دوره مطرح هستند، مانند آزادی در اسلام که در دوره‌های اول، سوم و چهارم مورد بحث است. برخی نیز در یک یا دو دوره مورد مناقشه و معرکه آراست، مانند بحث حقوق بشر که در یک دوره مورد توجه ویژه است؛ البته در دوره پسین نیز مورد توجه است، اما شدتی ندارد. ابعاد سیاسی توحید نیز تنها در دوره تأسیس، ادبیات خاص خود را دارد.

واژه‌های کلیدی: کلام سیاسی شیعه، حوزه علمیه قم، کلام اسلامی، اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان، مشروعیت، دموکراسی، عدالت.

این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) تألیف شده است.

استاد به این مقاله: آقاجانی، علی (۱۴۰۲). صورت‌بندی تاریخ ادوار کلام سیاسی در دوره جمهوری اسلامی (با تأکید بر حوزه علمیه قم). *سیاست متعالیه*، ویژه‌نامه (زمستان)، ص ۲۱-۴۶. <https://doi.org/10.22034/SM.2024.713320>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵



۱. مقدمه

صدمین سالگشت تأسیس حوزه علمیه قم توسط حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی می‌تواند محمل مناسبی جهت بازخوانی دانش‌های اسلامی - حوزوی شیعی، و طرح مباحث تازه پیرامون این دانش‌ها از جمله از حیث تاریخی باشد. امری که می‌تواند به ظهور نگره‌ها و پیشران‌های تازه بینجامد. یکی از این دانش‌ها کلام سیاسی است، که با تأسیس حوزه علمیه قم و متأثر از تعاملات آن با محیط پیرامونی، به ویژه شکل‌گیری ثمره عملی و ساختاری آن، یعنی نظام جمهوری اسلامی، از اهمیت مضاعف برخوردار است. بر این اساس، سوال اصلی آن است که چه دوره‌بندی از جریان‌ات تاریخی کلام سیاسی، به ویژه در دوره معاصر و به خصوص محوریت حوزه علمیه قم، در تاریخ معاصر ایران می‌توان ارائه کرد. فرضیه مطرح آن است که ادوار تاریخی کلام سیاسی، ذیل تاریخ عمومی دانش کلام قابل رصد است، که در کل چهار دوره عام با زیردوره‌های احتمالی می‌توان برشمرد، که در دوره معاصر به شدت تحت تاثیر تحولات ذهنی و عینی مرتبط با ظهور مدرنیته بوده و حوزه علمیه قم و شخصیت‌های محوری آن از بدو تأسیس تاکنون، هم به صورت کنشی و هم واکنشی، نقش محوری در تحولات کلامی سیاسی دارند، که نقطه اوج آن تکوین نظام جمهوری و تحولات کلامی سیاسی ناشی از آن است.

پیرامون تکوین کلام سیاسی دیدگاه‌های مدون یکپارچه‌ای وجود ندارد، اما می‌توان گفت که تکوینی تدریجی و طبیعی داشته است. کلام سیاسی را به طور اساسی می‌توان مرحله نخست، اما غیرمدون و منظم از تکوین دانش کلام به‌شمار آورد که به صورت گام‌به‌گام، از عینیت پرسش‌ها و چالش‌های زمان خود برخاسته، و سپس توسط اندیشوران و محافل دانش، ساختار و قواعد یافته است. در دوران اولیه، مسائل کلامی ارتباطی اساسی با واقعیت عینی ملموس، که چالش‌های سیاسی برآمده از موقعیت‌های خاص جامعه و روابط سیاسی حاصل از آن است، دارد، و عمده مسائل کلامی از درون مایه و ساختار سیاسی برخوردار است. بر همین اساس است که برخی اندیشه‌گران برآنند که اساساً ۶۰ سال نخستین اندیشه اسلامی، مرحله کلام سیاسی است؛ بدین معنا که در این دوره کمتر مسأله کلام اسلامی است که برخاسته از یک مسأله اجتماعی و سیاسی نباشد (سیحانی، ۱۳۸۷).

چنان که برخی اندیشوران بر این مسأله تأکید کرده‌اند و دو اتفاق را موجب سستی در کلام و کلام سیاسی دانسته‌اند. یکی انفصال اندیشه‌های کلامی از بستر عینی و واقعی، و دیگری انشقاق و انفصال دانش‌های اسلامی از یکدیگر (همان). این دو مسأله به هر علتی بوده باشد، موجب انفصال میان ذهن و عین در حیطه کلام و انتزاعی شدن دانش کلام و دور شدن آن از متن زندگی اجتماعی - سیاسی مردم گردید. از سوی دیگر،

حیطه‌بندی دانش‌های اسلامی موجب از میان رفتن ارتباط نزدیک آنها گردید؛ به گونه‌ای که فقه و اخلاق را از کلام جدا نمود و به ویژه با فرایند هژمونیک فقهی کلام، در سیطره فقه قرار گرفت. از سوی دیگر، خصوصیت اجتماعی سیاسی کلام را در هیچ یک از دانش‌های دیگر اسلامی بدین پررنگی نمی‌توان یافت. آن نیز ذات درگیرانه و اجتماعی دانش کلام، به ویژه در مورد مسائل درگیر با متن واقعی و عینی جامعه است.

۲. تعاریف کلام سیاسی

کلام سیاسی در حوزه دانش (و نه محتوا) حوزه‌ای تازه پا گرفته بوده و هنوز غور و پژوهش بایسته آن صورت نگرفته است. البته تا حدودی و نه کامل می‌توان آن را متناظر با الهیات سیاسی در غرب دانست. برخی آن را مترادف با ایدئولوژی پنداشته‌اند، که با وجود تطبیق‌های کلی، نمی‌توان آنها را به طور کامل درهم مندرج دانست. از این‌رو، تعاریف متعدد و متکثری نیز در میان نیست. اما تعریف‌های صورت گرفته را بدین شکل می‌توان احصاء نمود:

۱. بهروزی‌لک: کلام سیاسی، شاخه‌ای از علم کلام است که به تبیین و توضیح آموزه‌های ایمانی و دیدگاه‌های دین در باب مسائل و امور سیاسی پرداخته، از آن‌ها در برابر دیدگاه‌ها و آموزه‌های رقیب دفاع کند (بهروزلک، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۳ ب).

در این تعریف، همان‌گونه که بهروزی لک بیان می‌دارد، سعی شده است سه ویژگی علم کلام در نظر گرفته شوند: ارتباط با عقاید ایمانی، ویژگی تبیینی و توضیحی کلام و ویژگی دفاعی آن. بر این اساس، «عقاید سیاسی دینی» را می‌توان موضوع کلام سیاسی دانست. چنین موضوعی متناظر با موضوع برگزیده علم کلام است که در آن «عقاید دینی» محوریت دارند. جامعیت آن به شمولش بر آموزه‌های سیاسی دینی بوده، که با اصول اعتقادی مرتبط است. مانعیت آن نیز معطوف به خروج فقه سیاسی است، که بیشتر به تکالیف جزئی در ساحت سیاست مرتبط است. منظور از «عقاید دینی»، نگرش کلان دین به امور مختلف است. بر این پایه، عقاید دینی فقط اصول اعتقادی دینی را شامل نمی‌شوند، بلکه هر دیدگاه کلانی را که به نگرش دین به امور دنیوی و اخروی و امور انسانی تعلق دارد، شامل می‌شود (بهروزلک، ۱۳۸۲). به دلیل تکثر روشی علم کلام، که متناسب با شرایط و موقعیت‌های گوناگون، از روش‌های متنوعی در علم کلام بهره گرفته می‌شود، کلام سیاسی نقل و عقلی، هر دو در این تعریف جای می‌گیرند.

۲. خسروپناه «کلام سیاسی» را چنین تعریف کرده است: «آموزه‌های سیاسی است که از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر پرسش‌های مربوط به فلسفه سیاسی، که با روش انتزاعی و عقلی

پاسخ داده می‌شوند، از طریق وحی الهی و متون دینی پاسخ داده شوند، کلام سیاسی تحقق می‌یابد» (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۵۰۴). ظاهر این تعریف چنانکه برخی گفته‌اند، صرفاً شامل کلام سیاسی نقلی بوده، و تلاش‌های صورت گرفته از جانب متکلمان شیعی را در توضیح و تبیین عقلی آموزه‌های سیاسی دینی دربر نمی‌گیرد (بهرزلیک، ۱۳۸۳ الف).

۳. خسروپناه در جای دیگری تعریفی اینچنین ارائه می‌دهد: «کلام سیاسی به معنای آموزش‌های سیاسی برگرفته از کتاب و سنت، برای هر انسان آگاه به دین اسلام، غیرقابل انکار است» (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۵۰۹). این تعریف هم، به نوعی به تعریف نخست نظر دارد، و همانند آن فاقد عنصر مانعیت بوده و فقه سیاسی را نیز شامل می‌شود. علت این مسأله می‌تواند وجه توضیح‌دهندگی فقه سیاسی نسبت به تکالیف سیاسی مکلفان بر پایه ادله نقلی باشد. گرچه اشتراک کلام سیاسی نقلی با فقه سیاسی در این مسأله، امری پوشیده نیست.

دو امر موضوع و غایت، می‌تواند وجه تمایز کلام سیاسی نقلی و فقه سیاسی تلقی شود. بدین معنا که در حالی که کشف و اثبات حکم تکلیفی بر دوش فقه سیاسی است، تثبیت دیدگاه‌های کلان دین نسبت به امر سیاسی، به واسطه نص و نقل، متوجه کلام سیاسی نقلی است.

۴. پاره‌ای از تعاریف معطوف به «الهیات سیاسی» در سپهر اندیشه مسیحی، به نوعی هم‌پسته با کلام سیاسی در نگره تفکر اسلامی است. چنانکه اشتراوس از واژه «Political Theology» بهره برده و مترجم، «کلام سیاسی» را در برابر آن نهاده است، و تعریف اشتراوس را اینگونه به فارسی برگردانده است: «آنچه ما از کلام سیاسی می‌فهمیم، تعلیمات سیاسی است که از وحی الهی ناشی می‌شود» (اشتراوس، ۱۳۷۳، ص ۶). بر این اساس، اشتراوس هم در تعریفی که ارائه می‌کند، بر منبع وحیانی الهیات سیاسی تأکید کرده، و این هم‌طراز تعریف خسروپناه است و دربردارنده اشکال وارد بر آن از جهت شمولش بر فقه سیاسی می‌باشد، که منجر به خارج ماندن کلام سیاسی عقلی می‌گردد. به همین دلیل، این تعریف نیز از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار نیست.

۳. تعریف مختار از کلام سیاسی

تعریف مختار از کلام سیاسی براساس تعریفی است که از علم کلام و نحوه تجدد در آن ارائه می‌شود. علم کلام دارای تعاریف مختلفی است که در قالب دو نظریه دفاعی یا معرفت‌زایی تبیین می‌شود. در نظریه دفاعی، دو دیدگاه به چشم می‌آید. دیدگاه نخست، آن را صناعت به معنای مهارت عملی، و نه دانشی نظری

می‌شناسد، که انسان متدین را بر دفاع از باورهای دینی تجهیز می‌کند. اما گروه دیگری که امروزه اکثریت قاطعی را تشکیل می‌دهند، علم کلام را عاری و خالی از هویت علمی و معرفتی نمی‌انگارند. بر این اساس، تعریف مختار از کلام سیاسی عبارت است از: فهم، تبیین، اثبات، تنظیم (به نظام درآوردن)، تصحیح، توجیه، کارآمدسازی و دفاع از آموزه‌ها و نظام اعتقادی و ایمانی سیاسی، که با روش‌های گوناگون عقلی و نقلی و با دغدغه دینی صورت می‌گیرد. بر مبنای این تعریف، نمی‌توان عقاید دینی را صرفاً دربردارنده اصول اعتقادی دینی دانست، بلکه باید آن را عام دانسته و مشتمل بر دیدگاه‌های نظام‌وار و نظام‌ساز نسبت به مسائل مختلف انسانی، اعم از دنیوی و اخروی به‌شمار آورد.

کلام در کلیت دربردارنده دو گونه مسائل است. مسائلی که مستقیماً دال بر اصول اعتقادی بوده، و گونه دوم مسائلی که یا محاط بر اصول اعتقادی هستند و فلسفه اعتقادات و نظام اعتقادی را شکل می‌دهند و یا متفرع بر اصول اعتقادی می‌باشند. واضح است که اختلاف در برخی اصول اعتقادی قسم نخست، ممکن است باعث خروج از آن مکتب عقایدی شود. اما غور و تشکیک در دسته دوم، چنین اثری ندارد. همچنین وجه دفاعی کلام سیاسی ناظر بر این نکته است که بسیاری از مسائل کلامی و کلام سیاسی، الزاماً ارتباطی با اصول اعتقادی نداشته و اصل اعتقادی به‌شمار نمی‌آیند، تا تشکیک در آنها، تشکیک در آن اصول اعتقادی تلقی شود. قید «دغدغه دینی» در تعریف، معطوف به آن است که تلاش و فعالیت کلامی در ساحت سیاسی، می‌بایست انگیزشی دینی داشته باشد، تا آن تلاش در زمره کلام قرار گیرد؛ زیرا در غیر این صورت داخل در فلسفه دین می‌گردد، که نیازی به دغدغه دینی ندارد، بلکه می‌تواند دغدغه ضد دینی نیز در آن وجود داشته باشد.

۴. تاریخ کلام سیاسی شیعه (از صدر اسلام تا تأسیس حوزه علمیه قم و شکل‌گیری جمهوری اسلامی)

تاریخ کلام سیاسی شیعه را می‌توان در دو حیطه عام و خاص بررسی نمود. با این تذکار که کلام سیاسی از نظر تاریخی کاملاً ذیل دانش کلام قابل بررسی است، و چندان موجودیت مستقلی ندارد. تاریخ عام یا عمومی به دوره‌های کلی و مختصات عمومی دانش کلام و کلام سیاسی در بستر تاریخ می‌پردازد و تاریخ خاص یا موضوعی، مفاهیم خاص کلام سیاسی را در پهنه تاریخ مورد بررسی قرار می‌دهد، که پژوهش حاضر به تاریخ عمومی می‌پردازد.

الف) تاریخ عمومی کلام سیاسی شیعه

کلام سیاسی شیعه منعزل از کلام عمومی شیعه نیست، و در درون آن تحول و تکامل یافته است. گرچه

تفاوت‌هایی هم دارد. از این رو می‌بایست در تاریخ عمومی، کلیت علم کلام و در منظومه دانشی شیعه با عطف توجه به لایه‌های سیاسی، مورد توجه قرار گیرد. در این جهت، چند تقسیم‌بندی در آثار معدودی که به این مسأله پرداخته‌اند، وجود دارد. برخی آثار، کلام شیعه را در پنج مرحله مورد توجه قرار می‌دهند، که البته مراحل جزئی‌تری در درون هر یک قابل ملاحظه است (کاشفی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸-۱۴۷).

تحلیل دیگری تاریخ کلام و کلام سیاسی شیعه را از دو جهت تحول ساختاری و تحول رویکردی، مورد مطالعه قرار داده است. از جهت تحول ساختاری، تاریخ کلام شیعه به هشت دوره تقسیم شده است (جبرئیلی، ۱۳۸۶، ص ۴۸). همچنین در تاریخ تطور کلام شیعه از جهت تحول رویکردی مانند عقلی یا نقلی، فلسفی و تجربی و... برخی شش رویکرد را برشمرده‌اند (همان، ص ۶۰). تقسیم‌بندی از حیث مدارس تاریخی کلام و کلام سیاسی، گونه‌شناسی دیگری است که به مراکز و مدارس تاریخی کلام شیعه می‌پردازد و مدارس قم، بغداد، نجف، ری و حله را برمی‌شمارد و البته بر نقش مرکزی مدارس قم و بغداد تاکید دارد (جبرئیلی، ۱۳۸۶، ص ۶۶)، و به نوعی تا دوران معاصر نیز امتداد می‌یابد.

ب) تقسیم‌بندی مختار از تاریخ تطور کلام سیاسی شیعه

در تاریخ تطور کلام و کلام سیاسی، ابتدا می‌بایست به میراث‌شناسی پرداخت و میراث کلامی به عنوان مهم‌ترین مفصل و منبع برای شناخت آراء و اندیشه‌های گذشتگان و ردگیری تطورات فکری امامیه، حائز اهمیت بسیار است. در حالی که در حوزه کلام، کمتر به میراث‌شناسی توجه شده است. همچنان که برخی دانشوران بدان اذعان نموده‌اند (سبحانی، ۱۳۹۰). عقلی دانستن دانش کلام از دلایل احتمالی این مسأله است، که نتیجه آن بسنده کردن به اندیشه‌های رایج، و بی‌توجهی به پس‌زمینه‌های تاریخی اندیشه‌ها و تطور و پیشینه آنها و عدم ارائه تصویر جامع از تفکر امامیه بوده است.

هر میراثی سه ضلع دارد، که باید مورد مطالعه قرار گیرد. قالب، سبک و محتوا. قالب یک اثر، رویکرد و نوع نگاهی است که متن نسبت به کلام دارد. بدین معنا که متن در چه قالبی نگارش یافته است؛ تک‌نگاری یا جامع‌نگاری است؛ تبیینی، تشریحی یا انتقادی است؛ نقدنامه‌نویسی یا مناظره است. سبک‌شناسی روش‌شناسی مولف است که مثلاً عقل‌گرا یا نص‌گرا است. محتواشناسی یا مضمون‌شناسی نیز آن است که، مشخص شود ادبیات کلامی یک اثر و موضوعات و مسائل آن چیست؟ و متعلق به چه گرایشی است. این تقسیم‌بندی در نظر برخی اندیشوران نیز دارای سابقه و اعتبار است (همان).

همچنین می‌توان چهار مرحله تاریخی کلام سیاسی عمومی شیعه را در درون تطور کلی دانش کلام احصاء نمود. به نظر می‌رسد این چینش و طبقه‌بندی تاریخی دقیق‌تر، علمی‌تر و پیراسته‌تر از برخی تناقضات

و نزدیک‌تر به کلام سیاسی است. گرچه در محتوا قرابت‌های محتوایی مشخصی با دیگر تقسیم‌بندی‌ها دارد. مرحله نخست، دوره تأسیس است که تا شیخ طوسی است. مرحله دوم دوره تعامل و رقابت با فلسفه است که از خواجه طوسی تا فاضل مقداد را شامل می‌شود. دوره سوم، کلام فلسفی است که از میرداماد تا ملاصدرا و شارحان اوست. دوره معاصر نیز از ۲۰۰ سال گذشته به این سو است. مرحله تأسیس شامل سه زیردوره است (سبحانی، ۱۳۹۰). زیردوره نخست از بعد از خلیفه (سقیفه) شروع می‌شود و تا حدود پایان قرن اول (دهه هشتاد یا نود هجری) پایان می‌یابد. این دوره، دوره طرح مباحث کلامی و به خصوص کلام سیاسی است، که هنوز به نظریه‌پردازی نرسیده است.

زیردوره دوم از زمان امامت امام باقر(ع) تا حدود سال ۱۹۰ هجری تداوم دارد. از ۱۹۰ تا ۲۵۰ هجری دوره سکوت در کلام شیعه است. این زیردوره مرحله نظریه‌پردازی‌های کلامی است. زیردوره سوم از غیبت صغرا تا شیخ طوسی بوده، که مرحله تدوین کلام شیعه است. در زیردوره نخست آثار مکتوب کلامی وجود ندارد، اما فعالیت‌های کلامی وجود دارد. این آثار صبغه شفاهی دارد و از واقعیت‌های ملموس جامعه برخوردار است. بر همین اساس است که گفته می‌شود: اساساً تکون علم کلام در جهان اسلام، یک تکون طبیعی و جنینی است؛ یعنی گام‌به‌گام از بستر عینیت و پرسش‌های واقعی زمان، دانش کلام شروع و در محافل علمی تئوریزه می‌شود. در قرون نخستین، ارتباط این کلام با واقعیت عینی، ملموس است. اساساً در ۶۰ سال نخستین اندیشه اسلامی، مرحله «کلام سیاسی» است؛ به این معنا که در این دوره هیچ مسئله کلامی اسلامی نیست که برخاسته از یک مسئله اجتماعی و سیاسی نباشد؛ از بحث امامت یا مسئله سرنوشت‌ساز مدیریت جامعه اسلامی گرفته، تا بحث ایمان و کفر و مرزبندی جامعه اسلامی به دارالایمان و دارالکفر؛ همچنین بحث قضا و قدر یا بحث سرنوشت انسان، که ما به عنوان اعضای یک جامعه و یا به عنوان یک فاعل، تا چه اندازه در سرنوشت این دنیا و آخرت خودمان شریک و سهیم هستیم، و مواردی از این دست. دوران آغازین تاریخ اندیشه اسلامی، دوران حضور یک مسلمان در صحنه واقعیت اجتماعی است (سبحانی، ۱۳۸۷).

کلیت مرحله نخست با سه زیرمجموعه آن را می‌توان مرحله اصالت و استقلال علم کلام نامید. دوره‌ای که کلام از متن جامعه اسلامی و با پرسش‌های عینی آغاز شده و به تدریج تئوریزه می‌شود. برخی اولین زیردوره مرحله نخست را دوره کلام سیاسی نام می‌نهند (سبحانی، ۱۳۸۷). کلامی که هنوز تئوریزه نشده و تا حدود ۶۰ تا ۷۰ هجری ادامه می‌یابد. در این دوره مباحث مختلفی مانند ایمان و کفر، قضا و قدر، و از همه مهم‌تر امامت مطرح می‌شود. بخش عمده‌ای از فعالیت‌های کلامی، در قالب مجادلات علمی است. نوع

دیگر، نامه‌هایی است که مکتوب باقی مانده است؛ اما مخلوطی از مسائل کلامی و غیرکلامی است. خطبه‌ها نوع دیگری است که ابتدا شفاهی بوده و سپس مکتوب شده است. در این دوره کسی رساله مستقلی درباره کلام ننوشته است (همان). چون هنوز اندیشه کلامی پرورانده نشده و نیز فرهنگ عربی فرهنگ شفاهی، و نه مکتوب بوده است.

زیردوره دوم از مرحله اول کلام اسلامی وارد عرصه نگارش‌های کلامی می‌شود که دوره کلام اعتقادی است (همان). در این دوره دیدگاه‌هایی که در دوره اول در عرصه اجتماعی مطرح شده بود، تئوریزه و قاعده‌مند می‌شود و شاهد تدوین رسائل کلامی هستیم. در این دوره مباحث کلامی شفاهی جدلی به مجالس رسمی مناظره تبدیل می‌گردد، که صاحبان قدرت همچون آل برمک و مأمون و خلفای اینچینی در آن نقش دارند و نگارش‌های کلامی آغاز می‌شود (سبحانی، ۱۳۹۰). در این دوره اکثر رساله‌ها، تک‌نگاشت، یعنی تک موضوعی است که خود یا تبیینی است، مثل «رساله الاستطاعه» از زراره بن اعین، یا رساله انتقادی است که رقیب را رد و نقد می‌کند، مانند «رساله الرد علی المعتزله» از مومن الطاق. نوع سوم رساله‌هایی است که مناظرات شفاهی یا گفتگوها را بیان می‌کند. ردپایی از جامع‌نگری را در کلام شیعه به شکل عرضه عقاید بر امام، در این دوره شاهد هستیم، اما مدون و منظم نیست. زیردوره سوم، دوره ظهور دانشی به نام کلام شیعه است؛ زیرا تا پیش از آن تنها می‌توان از فعالیت و گزاره‌های کلامی و نه دانش کلام، سخن گفت. این دوره از آغاز قرن سوم تا نیمه‌های قرن پنجم است که منظومه‌نگاری در آن وجود دارد (همان).

مرحله دوم، دوران رقابت کلام با فلسفه و عرفان است. در این دوره نهضت ترجمه آغاز می‌شود و شاهد ورود و بسط فلسفه در جهان اسلام هستیم و قواعد فلسفی در کلام تاثیرگذار می‌شود. البته تاثیرپذیری کلام سیاسی کم‌تر است. همچنین عرفان نظری نیز به‌نوبه خود در کلام موثر است.

مرحله سوم، استحاله دانش کلام است، که بر اثر تفوق فلسفه و عرفان پدید می‌آید و کلام به تدریج هویت خود را از دست می‌دهد. البته فلسفه هم رنگ کلام شیعی دارد، اما این کلام است که تحت سیطره فلسفه قرار می‌گیرد.

مرحله چهارم، دوره معاصر است که از حدود دویست سال قبل مقارن رویارویی جوامع مسلمان با مدرنیته آغاز شده است، و احیاء و بازاندیشی دانش کلام بوده که در کلام جدید متجلی شده، و نوعی بازگشت به کلام دینی و پیراسته از برخی مسائل سابق و البته آمیخته با برخی مسایل جدید است. این مرحله خود به چند زیردوره تقسیم می‌شود که البته امری نسبی است. زیردوره نخست از دوره قاجار و جنگ‌های ایران و روس، تا نهضت مشروطیت است. زیردوره دوم از نهضت مشروطه تا تأسیس حوزه علمیه قم است. زیردوره

سوم از تأسیس حوزه قم تا سال ۱۳۶۰، زيردوره چهارم از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸، زيردوره پنجم از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴، و زيردوره ششم از سال ۱۳۸۴ تاکنون است.

۵. سیر تطور و مقایسه ادوار کلام سیاسی در دوره معاصر و جمهوری اسلامی (با تاکید بر حوزه علمیه قم)

از آنجا که محوریت پژوهش حاضر بر تأسیس حوزه قم است، و راجع به دوره‌های دیگری غیر از دوره معاصر، پژوهش‌های نسبتاً مبسوط‌تری وجود دارد، و نیز کلام سیاسی در دوره معاصر در این تحقیق اهمیت و موضوعیت بیشتری دارد، بیشتر به تطورات کلام سیاسی در مرحله چهارم و زیرمجموعه‌های آن پرداخته می‌شود.

نکته دیگر آنکه، در دوره معاصر نقش حوزه‌ها در مواجهه با مفاهیم کلامی سیاسی تازه نقشی محوری و بسیار تاثیرگذار، هم در عرصه‌های فکری و هم ساحت سیاسی دارد. اگرچه سایر متفکران و بازیگران فکری و سیاسی هم حضور دارند، اما رد و قبول و تعامل و تقابل حوزه علمیه و شخصیت‌های برخاسته و مرتبط با آن نقشی پررنگ در صورت‌بندی مسایل و تقویت و تضعیف گزاره‌ها و جریان‌ات کلام سیاسی دارد. در دوره مشروطه حوزه علمیه نجف و در دوره‌های دیگر بیشتر حوزه علمیه قم، به ویژه در عصر جمهوری اسلامی و سال‌های منتهی بدان بسیار تاثیرگذارند.

بر این اساس، تراث کلام سیاسی را می‌توان به تراث دور و تراث کلام سیاسی نزدیک تقسیم کرد. تراث کلام سیاسی دور، ذخایر انباشت شده، نهادینه شده و تاریخی از عقائد و کلام اسلامی و شیعی است که در طول تاریخ همواره مورد بازخوانی قرار می‌گرفته و امروزه نیز بازخوانی می‌شود. این تراث سرمایه اصلی هر نوع دستگاه کلامی سیاسی در بازسازی، نوسازی، بهسازی و دیگر رویکردها است. این سرمایه حجیم و عمیق از توحید، عدل و معاد تا نبوت، امامت و ولایت و دیگر ارکان و اجزای کلامی سیاسی که در طول تاریخ بر دفتر معرفتی آنها افزوده شده است، بنیاد هرگونه نظریه‌پردازی به‌شمار می‌رود.

تراث کلام سیاسی نزدیک را می‌توان از دوره مشروطه به این سو دانست، که ادبیات تازه‌ای در محیط کلام سیاسی تولید می‌شود و جریان‌های به وجود آمده در آن تا به امروز امتداد دارد و به حیات خود ادامه می‌دهد و از آن با نام کلام جدید یاد می‌شود. مفاهیم تازه‌ای مانند حکومت مشروطه، استبداد و استبداد دینی، دموکراسی، آزادی و یا کاربردهای تازه از مفاهیم به وجود می‌آید که تا امروز محور مباحث و جریان‌ها است. اما از تراث کلامی سیاسی نزدیک‌تر نیز می‌توان سخن گفت که از سال ۱۳۴۰ تاکنون را شامل می‌شود. در این

دوران به طور خاص از نظریه ولایت فقیه امام خمینی، برخی دیدگاه‌های کلامی سیاسی علی شریعتی مانند ائمت و امامت و ابعاد کلامی سیاسی نظریات مهدی بازرگان و برخی نظریه‌پردازی‌های دیگر می‌توان یاد کرد، که خمیرمایه درگیری‌های فکری دوره‌های پس از تأسیس حوزه علمیه قم است.

۵-۱. کلام سیاسی در زیردوره ۱۳۰۱ (تأسیس حوزه علمیه قم) تا ۱۳۶۰

در این دوره به تدریج مناقشات و مولفه‌های متعددی از کلام سیاسی وجود دارد که به تدریج بر اثر تحولات ذهنی و عینی جامعه شکل گرفته و برآیند عملی آنها برآمدن جمهوری اسلامی است. این دوره اگرچه طولانی به نظر می‌رسد و جریانات، تکررات و شخصیت‌های فکری سیاسی گوناگونی را شامل می‌شود، اما روند چالش‌های کلامی سیاسی تقریباً از منطبق واحدی پیروی کرده و مفاهیم و موضوعات یکپارچه‌ای دارد و در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰، و به ویژه در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، به بلوغ و اوج می‌رسد. از آنجا که هدف پژوهش حاضر تمامی آنها نیست، برخی از مهم‌ترین آنها بررسی می‌شود. این مناقشات و مولفه‌ها عبارتند از: دین و سیاست، ابعاد سیاسی توحید، جامعیت اسلام، نبوت و سیاست، امامت و سیاست، مشروعیت و حاکمیت در اسلام، اسلام و حاکمیت مردم، اسلام و آزادی، و اسلام و عدالت.



نمودار ۱- مهم‌ترین چالش‌های کلام سیاسی در دوره ۱۳۰۱ (تأسیس حوزه علمیه قم) تا ۱۳۶۰

۵-۱-۱. پیدایش دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی

در این دوره فضای تلاقی اندیشه‌ها، منجر به پیدایش دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی می‌شود. بر پایه مسائل کلامی سیاسی چهار جریان با ماهیت گفتمانی در این زمان شکل می‌گیرد، که عبارتند از: اسلام‌گرایان

سیاسی انقلابی، لیبرال‌های اسلامی، سوسیالیست‌های اسلامی و اسلام‌گرایان سیاسی سنتی. این دستگاه‌ها در موضوعات اصلی کلامی سیاسی آن دوره دچار چالش هستند. البته برخی چالش‌ها بیشتر و برخی چالش‌ها کمتر است.

در توحید سیاسی، اسلام‌گرایان سیاسی قانون‌گذاری را به جدّ در قلمرو الهی می‌دانند، در حالی‌که سایر جریان‌ها این اعتقاد را ندارند و با بدین جدیت بدان نمی‌نگرند. از سوی دیگر، در حالی‌که اسلام‌گرایان سیاسی برآنند که از هیچ انسانی نباید اطاعت شود، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد، که امری منطقی است؛ سایر جریان‌ها اطاعت هیچ انسانی را در هیچ صورتی اطاعت خدا نمی‌انگارند. لیبرال‌های اسلامی هرگونه استبداد را ملازم با شرک می‌دانند. سوسیالیست‌های اسلامی نیز برآنند که تسلیم در برابر هر اراده شخصی را، قرآن شرک به ذات و صفات خداوندی می‌شمارد؛ چه تسلیم به وسیله قهر و غلبه باشد، یا از راه نفوذ در قلوب و عواطف. همچنین اسلام‌گرایان سیاسی (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۲) و لیبرال‌های سیاسی، در بحث جامعه بی‌طبقه توحیدی، میان تبعیض و تفاوت، فرق جدی گذاشته و بر تفاوت تاکید دارند.

در بحث جامعیت دین، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. اسلام‌گرایان سیاسی بر جامعیت اسلام تاکید ویژه‌ای دارند؛ اما می‌پذیرند که اسلام در مواردی به رخصت و فرصت انسان دستور داده است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۹۴۲). بازرگان جامعیت را شمول معارف دین، اما نه به معنای برآوردن تمام نیازهای بشر توسط متون دینی می‌داند (بازرگان، ۱۳۴۱، ص ۶-۷). شریعتی دین را ملزم به ارائه برنامه همه‌جانبه در جامعه معرفی می‌کند (شریعتی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۰۷-۱۰۶). درباره ولایت فقیه که از حیث کلامی استمرار امامت محسوب می‌شود، اسلام‌گرایان سیاسی انقلابی بر آن اصرار می‌کنند. بهشتی با اشاره به فقاهت فقیه، و ولایت فقیه، معتقد است که باید نبض حکومت در دست فقیه باشد (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۱-۲۸۴). اما لیبرال‌های سیاسی و سوسیالیست‌های سیاسی آن را نمی‌پذیرند. سید کاظم شریعتمداری اصل ولایت فقیه را مقبول می‌داند، اما آن را محدود دانسته و در چارچوب نظریه حسیبه، گستردگی آن را نمی‌پذیرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۲۲). اسلام‌گرایان سیاسی سنتی ولایت فقیه در ابعاد سیاسی را می‌پذیرند؛ اما درک خاصی از اجرای آن ندارند و آن را همچون اسلام‌گرایان سیاسی طرفدار امام نمی‌بینند.

رابطه اسلام و حاکمیت ملی یکی دیگر از چالش‌ها است. اسلام‌گرایان سیاسی حاکمیت ملی را با ولایت فقیه در قانون اساسی قابل جمع می‌دانند؛ اما سایر جریان‌ها آن را قابل جمع نمی‌دانند. شریعتمداری اختیارات فقیه در اصل ۱۱۰ را با حاکمیت مردم در تبیین می‌داند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۰۹/۲۰، ص ۲). بازرگان معتقد است روحانیت نمی‌تواند در انتصاب‌ها و دستورالعمل‌ها به استناد مقام دینی خود دخالت نماید (بازرگان،

۱۳۴۱، ص ۴۸-۴۷). وی نقش اساسی را در حکومت به مردم داده و بر حکومت دموکراسی تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد که در میان مناقشات کلام سیاسی، نوع نگرش به رابطه دین و سیاست و نیز رابطه اسلام و مشروعیت حکومت در مسأله ابعاد کلامی ولایت فقیه، بیشترین تاثیرگذاری را بر رقابت‌های سیاسی این دوره دارد. عمده رقابت‌های سیاسی ذیل و حول این دو «کلان مناقشه» صورت گرفته، و دیگر مناقشات به صورت خرده مناقشه براساس آن مفصل‌بندی شده‌اند. همچنین در میان مناقشات کلام سیاسی در این دوره، مناقشه نبوت و سیاست کم‌ترین میزان ارتباط و تقارب را با رقابت‌های سیاسی داشته است.

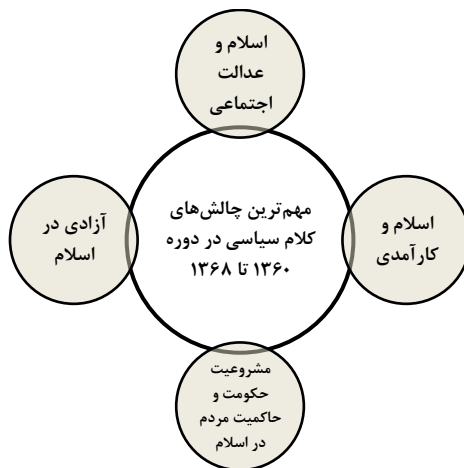
جدول ۱- مهم‌ترین موضوعات کلام سیاسی در دوره ۱۳۰۱ (تأسیس حوزه علمیه قم) تا ۱۳۶۰

موضوع / دستگاه کلام سیاسی	دستگاه کلام سیاسی (۱) اسلام‌گرایان سیاسی انقلابی	دستگاه کلام سیاسی (۲) لیبرال‌های اسلامی	دستگاه کلام سیاسی (۳) سوسیالیست‌های اسلامی	دستگاه کلام سیاسی (۴) اسلام‌گرایان سیاسی سنتی
ابعاد سیاسی توحید	قانون‌گذاری در قلمرو الهی، جواز اطاعت انسان مورد تأیید خداوند، نفی جامعه بی‌طبقه توحیدی	عدم جواز اطاعت انسان مطلقاً، استبداد ملازم با شرک، نفی جامعه بی‌طبقه توحیدی	عدم جواز اطاعت انسان مطلقاً، اثبات جامعه بی‌طبقه توحیدی	قانون‌گذاری در قلمرو الهی، جواز اطاعت انسان مورد تأیید خداوند، نفی جامعه بی‌طبقه توحیدی
جامعیت	جامعیت اسلام، دخالت و نظارت، رخصت	شمول معارف دین، نفی برآوردن تمام نیازهای بشر توسط متون دینی	دارای برنامه «تام و تمام برای جهان اسلام به عنوان یک ایدئولوژی جامع و انقلابی	جامعیت اسلام، دخالت و نظارت
دین و سیاست	وابستگی تام دین و سیاست	دین اصل، و سیاست فرع	اسلام یک مکتب تمام عیار سیاسی	وابستگی نسبی دین و سیاست
نبوت و سیاست	وظیفه انبیاء برقراری نظام عادلانه اجتماعی	رابطه وثیق نبوت، سیاست و حکومت	رابطه وثیق نبوت، سیاست و حکومت	—
امامت و سیاست	امامت در عصر معصومان منصبی انتصابی - عصمت	—	امامت یک «حق ذاتی» از ماهیت شخص «خود امام»، فرقان: امامت عنوانی قراردادی و انتخابی است	امامت منصبی انتصابی
ولایت فقیه	ولایت فقیه ولایت ایدئولوگ، نبض حکومت در دست فقیه،	محدود و در چارچوب نظریه حسبه	عدم پذیرش	نبض حکومت در دست فقیه
اسلام و حاکمیت ملی	حاکمیت ملی با ولایت فقیه، در قانون اساسی قابل جمع، فقیه نمی‌تواند خود را بر مردم تحمیل کند	تباین اختیارات فقیه در اصل ۱۱۰ با حاکمیت مردم	تباین اختیارات فقیه در اصل ۱۱۰ با حاکمیت مردم	پذیرش

موضوع / دستگاه کلام سیاسی	دستگاه کلام سیاسی (۱) اسلام‌گرایان سیاسی انقلابی	دستگاه کلام سیاسی (۲) لیبرال‌های اسلامی	دستگاه کلام سیاسی (۳) سوسیالیست‌های اسلامی	دستگاه کلام سیاسی (۴) اسلام‌گرایان سیاسی سنتی
اسلام و آزادی	آزادی‌های فردی، محدودیت اجتماعی نیز دارد، آزاد است، اما در چارچوب حدودالله	آزادی مطلق هم‌سنگ دموکراسی نیست، ایمان مذهبی رانمی‌توان به زور حاکم کرد	آزادی، هدیه الهی	—

۵-۲. کلام سیاسی در زيردوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸

در این دوره با توجه به غلبه گفتمانی و سیاسی اسلام‌گرایان انقلابی، از میزان مناقشات فعال کلام سیاسی کاسته شده، البته بر کیفیت مناقشات و گستته‌های کلامی سیاسی در میان اسلام‌گرایان افزوده می‌شود. برخی از مهم‌ترین مناقشات و مولفه‌های کلام سیاسی مطرح در این دوره عبارتند از: اسلام و عدالت اجتماعی، اسلام و کارآمدی، مشروعیت حکومت و حاکمیت مردم در اسلام، و آزادی در اسلام.



نمودار ۲- مهم‌ترین چالش‌های کلام سیاسی در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸

۵-۲-۱. پیدایش دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی

دستگاه کلامی سیاسی یکپارچه اسلام‌گرایان سیاسی با خروج رقیبان از صحنه سیاسی و مواجهه با مسائل موجود در جامعه، دچار تشتت گردید. اینک که آنان در مصدر امور قرار می‌گرفتند، باید در دستگاه فکری خود پاسخگوی معضلات می‌بودند. همین مواجهه مستقیم، به سرعت این دستگاه کلامی سیاسی را دچار انشقاق کرد. بر اثر بحران در کلام سیاسی غالب، دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی پدید آمد. به طور مشخص دستگاه فکری چپ مذهبی و راست مذهبی از دل اسلام‌گرایان حاکمیت بیرون آمد. لیبرال‌های اسلامی نیز

دستگاه فکری فعال در خارج از حاکمیت است. این سه دستگاه مختلف کلامی سیاسی حول مهم‌ترین موضوعات اختلافی به مناقشه می‌پردازند.

اسلام و عدالت اجتماعی و نحوه مواجهه با مظاهر عدالت و بی‌عدالتی در عرصه عمومی مناقشه‌ای است که چپ اسلامی خود را طرفدار آن و راست اسلامی را متهم به مخالفت و بی‌توجهی بدان می‌کند (بانگ رحیل، ۱۳۶۷، ص ۲۱). اسلام و کارآمدی، مناقشه دیگری است که موضوع آن نگرش با اولویت یا عدم اولویت کارآمدی و یا برداشت از آن در نگرش به منابع و احکام دینی است. تاکید چپ اسلامی بر بازسازی تراث اسلامی برپایه کارآمدی بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۲/۱۰/۳۰). در حالی که راست اسلامی این نگاه بازسازانه را برنمی‌تافت (آذری قمی، ۱۳۶۴، ص ۵۳). طرح مقوله زمان و مکان در اجتهاد اسلام و مبحث مصلحت (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۲۹۷)، در راستای این نگاه بازسازانه و مبتنی بر کارآمدی شکل گرفت. امام خمینی بر توانایی اسلام در اداره جوامع و حل معضلات بر پایه دخالت زمان و مکان در فرایند اجتهاد اصرار دارد، و توجه به جنبه عملی فقه و نوعی رویکرد عمل‌گرایانه بدان را خواستار است.

مشروعیت حکومت و حاکمیت مردم در اسلام، موضوع مناقشه دیگر بود. امام خمینی از نظریه مشروعیت نصب عنوانی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۴۵۹) و مفهوم ولایت مطلقه فقیه (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۴۵۲) حمایت می‌کند. می‌توان گفت که مفهوم اطلاق در ولایت مطلقه فقیه دربرگیرنده دو عنصر «تساوی اختیارات حکومتی پیامبر و امامان معصوم با اختیارات حکومتی ولی فقیه» و «عدم تقیید به احکام فرعی الهی است. در مقابل، لیبرال‌های اسلامی برآنند که ولایت مطلقه فقیه يك اصل یا نظریه فقهی - سیاسی بدیعی است، که مترادف با مهبجوریت مردم بوده، و از اصالت و اعتبار کافی برخوردار نیست (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۷). جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مسأله ولایت فقیه و رهبری دینی را از زاویه امامت در تفکر شیعه بررسی می‌کند، و به این نتیجه می‌رسد که امامت و رهبری یکی از اصول دین و ارکان مذهب تشیع است. از نظر آذری قمی و ارکان جامعه مدرسین، اوامر ولی فقیه قابل تقسیم به دو گونه ولایی و ارشادی است. اوامر ارشادی لازم الاتباع نیست، اما اوامر ولایی لازم الاتباع است. در آن زمان از نظر راست اسلامی ولی فقیه تنها در محدوده ضرورت، امکان جعل حکم را دارد و به مقتضای مصلحت نمی‌تواند جعل حکم کند (آذری قمی، ۱۳۶۴، ص ۳۸). در میان مناقشات کلامی سیاسی این دوره به نظر می‌رسد که مناقشه اسلام و عدالت اجتماعی اساسی‌ترین مناقشه تاثیرگذار بر این دوره است، که به نوعی سایر مناقشات پیرامون آن شکل می‌گیرند. کم‌ترین میزان تاثیرگذاری بر رقابت‌ها را نیز اسلام و آزادی دارد، که گرچه در نگرش جناح‌های حاشیه‌ای به ویژه دستگاه کلامی سیاسی لیبرالیزم اسلامی پررنگ است، اما در متن رقابت‌ها میان دو جناح

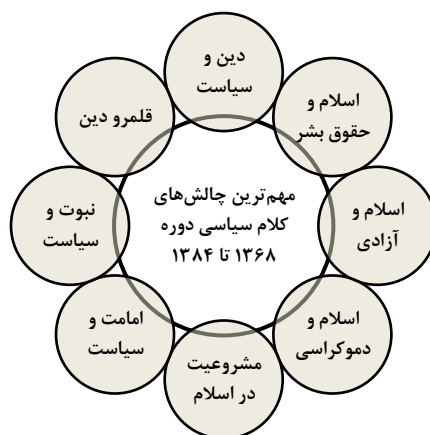
اصلی حاکمیت، نمود چندانی ندارد.

جدول ۲- مهم‌ترین موضوعات کلام سیاسی در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸

موضوع / دستگاه کلام سیاسی	دستگاه کلام سیاسی (۱) (راست مذهبی)	دستگاه کلام سیاسی (۲) (چپ مذهبی)	دستگاه کلام سیاسی (۳) (لیبرال‌های اسلامی)
اسلام و عدالت اجتماعی	مخالف تعبیه سازوکارهای دینی جدید، به منظور برقراری عدالت اجتماعی	موافق تعبیه سازوکارهای دینی جدید، به منظور برقراری عدالت اجتماعی	—
مشروعیت حکومت و حاکمیت مردم در اسلام	مشروعیت الهی + اوامر ولی فقیه، قابل تقسیم به دو گونه ولایی و ارشادی	مشروعیت نصب عنوانی + مشروعیت الهی مردمی	مشروعیت مردمی
اسلام و کارآمدی	توجه حداقلی به سازوکارهای کارآمدی مانند زمان و مکان در اجتهاد و مصلحت	توجه حداکثری به سازوکارهای کارآمدی مانند زمان و مکان در اجتهاد و مصلحت + نادرست بودن ابتدای بر رساله عملیه برای اداره حکومت	تشخیص منابع کارآمدی امری جمعی، و نه فردی و براساس رجوع به آرای مردم
اسلام و آزادی	توجه کم به مقوله آزادی / تأکید بر آزادی اقتصادی	عدم توجه به مقوله آزادی	تأکید بر وجه غیر اجبارآمیز دین

۵-۳. کلام سیاسی در زیردوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴

در این دوره مجدداً مناقشات کلام سیاسی افزایش یافته و متعدد می‌گردد. برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: دین و سیاست، اسلام و حقوق بشر، اسلام و آزادی، اسلام و دموکراسی، مشروعیت در اسلام، امامت و سیاست، نبوت و سیاست، قلمرو دین.



نمودار ۳- مهم‌ترین چالش‌های کلام سیاسی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴

۵-۳-۱. پیدایش دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی

در دوره پیشین، کلام سیاسی چپ اسلامی، کلام سیاسی غالب به‌شمار می‌رفت. اما در اواخر این دوره مشکلات و ناکامی‌های اقتصادی، سیاست خارجی و تطویل جنگ، این دستگاه را با بحران مواجه ساخت، که نتیجه آن شکسته شدن سیطره و هژمونی آن بود. در پی آن سایر دستگاه‌های کلامی سیاسی رقیب که در سایه کلام سیاسی چپ اسلامی می‌زیستند، امکان مانور پیدا کردند؛ به گونه‌ای که برخی افراد ذی‌نفوذ چپ اسلامی از آن فاصله گرفتند. به دنبال از میان رفتن سیطره و غلبه کلام سیاسی چپ اسلامی و افول آن، دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی برآمدند و امکان مانور بیشتر یافتند. در ابتدا راست اسلامی هم طراز چپ گردید و سپس بر آن پیشی گرفت. امکان رشد لیبرالیسم اسلامی نیز بیشتر مهیا گردید. سوسیالیسم اسلامی نیز نسبت به دوره پیشین، امکانات بیشتری پیدا کرد. البته رادیکال‌های اسلامی از درون چپ اسلامی برآمد و در پیوند با حاکمیت جدید قرار گرفت. در اواخر دوره سازندگی، بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی پویای آن به شکاف در کلام سیاسی محافظه‌کار منجر گردید، و بر این اساس جناح‌های اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، عدالت‌گرای اسلامی و لیبرال، و سوسیال اسلامی، آرایش جدیدی یافته و به چالش حول موضوعات قدیم و جدید پرداختند.

در مبحث دین و سیاست، اصول‌گرایی و عدالت‌گرایی اسلامی به امتزاج کامل دین و سیاست و اینکه هر نوع اقدام و عمل سیاسی تحت عناوین شرعی مندرج است، معتقد می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۷۶-۷۵). اصلاح‌طلبی بر این دیدگاه است که موضوع حاکمیت در دین مغفول‌عنه نمی‌باشد، اما دین برای حکومت کردن نیامده است (جعفری ۱۳۸۸). دیدگاه لیبرالیسم اسلامی بر این گزاره است که عمل سیاسی گرچه با قصد قربت نباشد، مورد رضایت و مهر خداوند است؛ نفی حق حاکمیت حقوقی خداوند، حکومت به عقل بشر سپرده شده و تنها رعایت کلیات اخلاقی و فقهی لازم است؛ خداوند، حاکمیت حقوقی ندارد؛ احکام ولایی شاهدهی گویا بر جدایی سیاست از دیانت است؛ و «حکومت» نه در ذات اسلام، و نه در گوهر نبوت، و نه در بنیاد امامت است (حائری یزدی، ۱۹۹۵م، ص ۲۱۸؛ مجتهد شبستری، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). از نظر سوسیالیسم اسلامی، دین مترادف حکومت و یا زمامداری نیست، هرچند که دین درباره نحوه اداره رهبری جامعه و تنظیم مناسبات بین مردم نظر داده است. همچنین نظام سیاسی باید مبتنی بر مشارکت آزاد و آگاهانه تمامی مومنان باشد (پیمان، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۱، ص ۲۸). دستگاه کلام سیاسی اصول‌گرایی معتقد است که مشروعیت ولایت فقیه به نصب از سوی خداوند است؛ مسأله ولایت فقیه، مسأله‌ای کلامی است؛ در عصر غیبت معصوم، نیابت غیرمعصوم از معصوم ممکن است؛ ولایت به معنای والی، و سرپرست بر فرزندان است؛ حاکم اسلامی بر جامعه وکالت ندارد، بلکه ولایت دارد؛ ولی فقیه، همه اختیارات پیامبر را دارا است (جوادی آملی،

۱۳۸۵: ص ۱۵۹-۱۵۲). اما اصلاح طلبی به امتناع نصب عام فقها در زمان غیبت، فقاہت حاکم اسلامی، انتخابی بودن حاکم اسلامی و مقید بودن اختیارات حاکم اسلامی به قانون اساسی به‌عنوان شرط ضمن عقد اعتقاد دارد (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۹، ۱۶۲، ۴۰۷).

لیبرالیزم اسلامی بر رد تفکیک مشروعیت شرعی و مقبولیت مردمی، و یکسان دانستن شیوه مردمی در حکومت دینی و غیردینی معتقد است. ولایت فقیه، عین استبداد دینی است و حکومت با ساختار عادلانه عینی و خارجی قدرت سیاسی، و نه با عادل بودن حاکم، مشروعیت سیاسی پیدا می‌کند. سوسیالیزم اسلامی بدون آنکه مبنای درستی به دست دهد، بر آن است که اصل ولایت در تفکر سیاسی شیعه امامیه (مبنی بر برداشت زمامداری و سرپرستی) پایه‌ای در قرآن ندارد، و ولایت در قرآن بیانگر رابطه‌ای بین یاران همفکر و هم‌مسلك است که برای هدف واحدی مبارزه می‌کنند (پیمان، اسفند ۱۳۷۷). عدالت‌گرایی اسلامی نیز ولایت فقیه را تنها صورتی می‌داند که حکومت اسلامی به خود می‌گیرد و این از حقایقی است که تصور آن موجب تصدیق می‌شود و بر ولایت مشروط فقیه نقد دارد. در این دوره بیشترین تاثیرگذاری را در میان مناقشات کلام سیاسی، مناقشه اسلام و دموکراسی دارد که به نحوی همه مناقشات دیگر را نیز تحت تاثیر قرار داده است. همچنین کم‌ترین تاثیرگذاری در میان مناقشات کلام سیاسی، مربوط به مناقشه نبوت و سیاست است.

۵-۴. کلام سیاسی در دوره ۱۳۸۴ تاکنون

در دوره ۱۳۸۴ تاکنون، صورت‌بندی مناقشات کلام سیاسی چندان دستخوش تحول نمی‌شود. برخی از مهم‌ترین مناقشات کلام سیاسی عبارتند از: دین و سیاست، اسلام و حقوق بشر، اسلام و آزادی، اسلام و دموکراسی، مشروعیت در اسلام، اسلام و تسامح و تساهل و خشونت و قلمرو دین.



نمودار ۴- مهم‌ترین چالش‌های کلام سیاسی در دوره ۱۳۸۴ تاکنون

۵-۴-۱. پیدایش دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی

دوره ۱۳۸۴ تاکنون از جهاتی محصول شکست سیطره هژمونیک گفتمان کلام سیاسی اصلاح‌طلبی است. این گفتمان در اواخر دوره بسیار ضعیف و ناتوان شده و انسجام درونی و روانی خود را از دست داده بود. این موضوع به بحران در آن انجامید که از دل آن گفتمان دیگری برآمد. بحران در سیطره هژمونیک گفتمان اصلاح‌طلبی منجر به ظهور خرده‌گفتمان‌ها، و به دنبال آن خرده‌جناح‌ها در درون جناح‌های اصلی گردید، که هریک در درون دستگاه کلام سیاسی اصلی، برخی مختصات جدیدی را با تاکید یا نفی موضوعات یا موضوعات خاصی پدید آوردند. اصول‌گرایان و عدالت‌گرایان اسلامی سخن از انتظار دین از بشر دارند و عبودیت را ذاتی دین می‌دانند. در حالی که اصلاح‌طلبان و لیبرال‌های اسلامی انتظار بشر از دین را سرلوحه اندیشه خود قرار داده‌اند و معنویت و آزادی را ذاتی دین می‌انگارند.

از دیدگاه اصول‌گرایان، عمل و رفتار و اندیشه دارای یکی از احکام پنج‌گانه است، اما عقل و پویایی فکر و توانایی‌های بشری نیز در آن موثر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳). اصلاح‌طلبان برآنند که دین حوزه اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد، اما تنها خطوط کلی و موازین عام یک شیوه سیاسی را بیان می‌کند (کدیور، ۱۳۸۱/۹/۳). لیبرال‌های اسلامی معتقدند، برای سعادت دنیوی مادی، استفاده از عقل و تجربه بشری، و برای سعادت دنیوی معنوی یا سعادت اخروی، رجوع به دین و عقل و تجربه بشری لازم است. عدالت‌گرایان اسلامی نیز دین حداقل را محصول عدم اعتناء به متن دینی، بریدن زبان دین و سپردن زمام قبض و بسط فقه به دست عرف غیردینی می‌دانند.

در حالی که از دیدگاه اصول‌گرایی و عدالت‌گرایان اسلامی، اسلام با مردم‌سالاری بی‌قید، تعارض ماهوی دارد و شورا نه در وضع قانون، و نه در تعیین مجری قانون تأثیر دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۵). اصلاح‌طلبی، اسلام را به مثابه یک دین، با دموکراسی به مثابه یک روش زندگی سیاسی مدرن قابل جمع دانسته و تدبیر عقلانی دنیا با نظارت دین را پیشنهاد می‌دهد. اما طیفی از لیبرال‌های اسلامی برآنند که حکومت دینی با دموکراسی غیرقابل جمع است، در حالی که دین با دموکراسی امکان جمع دارد (ملکیان، ۱۳۷۹/۷/۲۷).

اصول‌گرایی، دنیاگرایی را در مقابل نگاه قدسی و معنوی به عالم دانسته و با توجه به تغایر عقل دینی با عقل سکولار، آن را تقبیح می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۵/۷/۱). اما طیف‌هایی از اصلاح‌طلبی، سیاست را امری عقلایی و تدبیر سیاسی را کاری بشری می‌انگارد و به حکومت دموکراتیک بی‌قید می‌اندیشد (کدیور، ۱۳۸۱/۹/۳). لیبرال اسلامی نیز به تحسین سکولاریزم به معنای عقلانیت فرادینی و سکولاریزم سیاسی می‌پردازد (ملکیان، ۱۳۸۴/۲/۸؛ فنایی، ۱۳۹۱/۴/۶، ص ۵۳-۴۴). در مورد آزادی نیز اصول‌گرایی و

عدالت‌گرایان به محدودیت آزادی سیاسی و مطلق نبودن آزادی و ردّ شبهه تقدّم آن بر دین معتقدند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۶-۹۱). اصلاح‌طلبی (کدیور، ۱۳۷۷/۱۰/۲۳) و لیبرالیسم اسلامی (ملکیان و خسروپناه، ۱۳۹۴/۳/۱۰، ص ۸) به عدم محدودیت آزادی سیاسی معتقدند. در این دوره بیشترین تاثیرگذاری در میان مناقشات کلام سیاسی، متعلق به اسلام و آزادی، و قلمرو دین است. کم‌ترین تاثیرگذاری در میان مناقشات کلام سیاسی نیز مربوط به دین و سیاست است.

در سیر تطور موضوعات مورد مناقشه، در برخی موارد موضوعاتی در هر چهار دوره مورد نظر پژوهش همچنان مورد مناقشه و بحث کلامی هستند، مانند نقش مردم در مشروعیت حکومت یا بحث ولایت فقیه، که در هر چهار دوره مطرح می‌باشند. برخی در سه دوره مطرح هستند، مانند آزادی در اسلام که در دوره‌های اول، سوم و چهارم مورد بحث است. برخی نیز در یک یا دو دوره مورد مناقشه و معرکه آراء هستند، مانند بحث حقوق بشر که در یک دوره مورد توجه ویژه است. البته در دوره پسین نیز مورد توجه بوده، اما شدتی ندارد. یا ابعاد سیاسی توحید که تنها در دوره تأسیس، ادبیات خاص خود را دارد.

جدول ۳- نگرش تفصیلی به موضوعات کلام سیاسی در دوره ۱۳۸۴ تاکنون

موضوع / دستگاه کلام سیاسی	دستگاه کلام سیاسی (۱) (اصول‌گرایان)	دستگاه کلام سیاسی (۲) (اصلاح‌طلبان)	دستگاه کلام سیاسی (۳) (لیبرال‌های اسلامی)	دستگاه کلام سیاسی (۴) (عدالت‌گرایان اسلامی)
قلمرو دین	عمل، رفتار و اندیشه دارای یکی از احکام پنج‌گانه + عقل و پویایی فکر و توانایی‌های بشری	حوزه اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد + خطوط کلی و موازن عام یک شیوه سیاسی	برای سعادت دنیوی مادی، استفاده از عقل و تجربه بشری، برای سعادت دنیوی معنوی یا سعادت اخروی، رجوع به دین و عقل و تجربه بشری	دین حداقل محصول عدم اعتناء به متن دینی، بریدن زبان دین و سپردن زمام قبض و بسط فقه به دست عرف غیردینی
دین و مدرنیته	تباعد دین و مدرنیته + مدل ثابت و متغیر	سازگاری اسلام و مدرنیته با مدل اسلام معنوی	تباین دین و مدرنیته	دو ماهیت ذاتاً متضاد
دین و سیاست	پیوستگی تام دنیاگرایی در مقابل نگاه قدسی و معنوی به عالم است	پیوستگی کلی + سیاست امری عقلایی و تدبیر سیاسی کاری بشری + حکومت دموکراتیک بی‌قید	استقلال این دو نهاد از یکدیگر و تقدم اخلاق بر دین + تحسین سکولاریزم به معنای عقلانیت فرادینی + سکولاریزم سیاسی	پیوستگی تام + تغایر عقل دینی با عقل سکولار.
مشروعیت و ولایت فقیه	نصب از طرف خداوند + کشف ولی فقیه + ولایت مطلقه + ولی فقیه حاکم بر قانون اساسی	نفی انتصاب در عصر غیبت + فاقد دلیل معتبر دینی + ولی فقیه تابع قانون اساسی + انتخاب رهبری	نفی ولایت فقیه و مشروعیت مردمی	ولایت مطلقه + ولی فقیه حاکم بر قانون اساسی

موضوع / دستگاه کلام سیاسی	دستگاه کلام سیاسی (۱) (اصول‌گرایان)	دستگاه کلام سیاسی (۲) (اصلاح‌طلبان)	دستگاه کلام سیاسی (۳) (لیبرال‌های اسلامی)	دستگاه کلام سیاسی (۴) (عدالت‌گرایان اسلامی)
اسلام و مردم‌سالاری	اسلام با مردم‌سالاری بی‌قید تعارض ماهوی دارد+ شورا نه در وضع قانون تأثیر دارد، و نه در تعیین مجری قانون	اسلام به‌مثابه یک دین با دموکراسی به‌مثابه یک روش زندگی سیاسی مدرن می‌تواند جمع شود + تدبیر عقلانی دنیا با نظارت دین	حکومت دینی با دموکراسی غیرقابل جمع است، اما دین با دموکراسی امکان جمع دارد.	تعارض ماهوی اسلام با مردم‌سالاری
اسلام و آزادی	محدودیت آزادی سیاسی	عدم محدودیت آزادی سیاسی	عدم محدودیت آزادی سیاسی	محدودیت آزادی سیاسی
تسامح و تساهل و خشونت	مغایر اصول و مبانی مسلمانی + غیرت دینی+اقدام فراقانونی در صورت عدم توجه	تسامح و تساهل در تمامی حوزه‌های اعتقاد دینی+ هم‌قرائت‌های مسالمت‌آمیز از دین و سنت داریم، هم برداشت‌های خشن	تسامح و تساهل در تمامی حوزه‌های اعتقاد دینی+ سکولاریزم اخلاقی و سیاسی ضامن عدم خشونت	مغایر اصول و مبانی مسلمانی+ غیرت دینی
اسلام و حقوق بشر	اسلام با حقوق بشر غربی مغایر است	تعارض اساسی و غیرقابل اغماض دین تاریخی به ویژه در بخش شریعت و فقه، با نظام حقوق بشر + سازگاری اسلام معنوی	تقدم حقوق بشر بر دین	اسلام با حقوق بشر غربی مغایر است

۶. نتیجه‌گیری

سیر تطور و مقایسه ادوار تاریخ کلام سیاسی را در سه حوزه می‌توان پی گرفت. سیر تطور موضوعات مورد مناقشه، سیر تطور جریان‌های سیاسی در نسبت با موضوعات مورد مناقشه، و سیر تطور تأثیر مناقشات بر رقابت‌های سیاسی. در سیر تطور موضوعات مورد مناقشه، در برخی موارد موضوعاتی در هر چهار دوره مورد نظر پژوهش همچنان مورد مناقشه و بحث کلامی هستند، مانند نقش مردم در مشروعیت حکومت یا بحث ولایت فقیه که در هر چهار دوره مطرح هستند. برخی در سه دوره مطرح می‌باشند، مانند آزادی در اسلام که در دوره‌های اول، سوم و چهارم مورد بحث است. برخی نیز در یک یا دو دوره مورد مناقشه و معرکه آراء است، مانند بحث حقوق بشر که در یک دوره مورد توجه ویژه است. البته در دوره پسین نیز مورد توجه بوده، اما شدتی ندارد. یا ابعاد سیاسی توحید که تنها در دوره تأسیس، ادبیات خاص خود را دارد.

نکته دیگر، تغییر در ادبیات برخی موضوعات یا تغییر در جوانب و ابعاد موضوع است. مثلاً در موضوع ولایت فقیه، ابعاد و جوانب و نقطه تمرکز مناقشه، متفاوت است. در دوره نخست، مناقشه بر سر اصل حق فقها در زعامت سیاسی است. در دوره دوم، مناقشه بر سر مطلقه یا مقیده بودن آن می‌باشد. در دوره دیگر نحوه اعمال و تقید یا عدم تقید آن به قانون اساسی مطرح است. گاهی نیز ادبیات مناقشه، متفاوت است، مثلاً

ادبیات اسلام و حاکمیت ملی در دوره نخست به اسلام و دموکراسی (مردم‌سالاری) در دوره سوم تغییر می‌کند. یا موضوع جامعیت در دوره نخست، به قلمرو دین در دوره‌های سوم و چهارم تغییر ادبیات می‌دهد.

جدول ۴ - موضوعات کلامی سیاسی در تاریخ معاصر با محوریت حوزه علمیه قم

دوره ۱۳۰۱ (تأسیس حوزه علمیه قم) تا ۱۳۶۰	دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸	دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴	دوره ۱۳۸۴ تاکنون
ابعاد سیاسی توحید	اسلام و عدالت اجتماعی	نبوت و سیاست	قلمرو دین
جامعیت دین	مشروعیت حکومت و حاکمیت مردم در اسلام	امامت و سیاست	دین و مدرنیته
دین و سیاست	اسلام و کارآمدی	دین و سیاست	دین و سیاست
نبوت و سیاست	اسلام و آزادی	قلمرو دین	—
امامت و سیاست	—	—	اسلام و مردم‌سالاری
ولایت فقیه	—	مشروعیت حکومت و ولایت فقیه	مشروعیت و ولایت فقیه
اسلام و حاکمیت ملی	—	—	—
اسلام و آزادی	—	اسلام و آزادی	اسلام و آزادی
اسلام و دموکراسی	—	اسلام و دموکراسی (مردم‌سالاری)	—
—	—	—	تسامح و تساهل و خشونت
—	—	اسلام و حقوق بشر	اسلام و حقوق بشر
—	—	اسلام و سکولاریزم	—
—	—	مدیریت علمی و مدیریت فقهی	—

اما سیر تطور جریان‌های سیاسی در نسبت با موضوعات مورد مناقشه، مسأله دیگر است. موضوع جامعیت راست اسلامی تقریباً در خط سیر ممتدی حرکت کرده و کم‌ترین تحول را داشته است. راجع به امتزاج دین و سیاست و نفی سکولاریزم، دارای موضع نسبتاً ممتدی است. راجع به اسلام و حاکمیت ملی، اسلام و آزادی، و اسلام و دموکراسی نیز اینچنین است. اما در موضوع ولایت فقیه، موضع این جناح در دوره نخست نسبت به دوره‌های دیگر تغییراتی دارد، و از ولایت مقیده به مطلقه تغییر می‌کند.

جناح چپ اسلامی نسبت به موضوع ولایت مطلقه در دوره سوم و چهارم نسبت به دوره دوم تغییراتی دارد. اما کُنه اندیشه آن دچار تحول جدی نیست؛ زیرا از ابتدا اختیارات مطلقه را بیشتر مربوط به دولت اسلامی می‌دانستند، تا شخص رهبری. این نکته ظریفی است که می‌بایست بدان توجه کرد. نوع نگاه این جناح به نقش مردم نیز تغییراتی می‌کند، اما تحول جدی نمی‌یابد. در حالی که در تلقی از جامعیت و قلمرو دین، تغییرات

عمده‌ای در این جناح مشاهده می‌شود. این جناح که در دوره تأسیس و تثبیت، نگاه شمول‌گرایانه‌ای دارد، در دوره‌های پسین به تدریج از این نگاه شمول‌گرایانه کاسته می‌شود و به نحوی تحت تأثیر لیبرالیست‌های اسلامی قرار می‌گیرد.

لیبرالیست‌های اسلامی در اکثر مسائل تغییر و تطور معناداری ندارند. اگرچه در مواد و نحوه استدلال‌ها، تحولاتی را پشت‌سر می‌گذارند، اما چرخش چشم‌گیری ندارند. در مقوله قلمرو دین و نسبت سیاست با دیانت، برخی برآنند که مهدی بازرگان در دوره سوم دچار چرخش جدی نسبت به دوره اول است، و برخی چنین نظری ندارند. در این باره به نظر می‌رسد که تحقیق در نگرش‌های هر دو دوره وی نشان می‌دهد که شیفت پارادایمی اتفاق نیفتاده است، بلکه تحولات زمانه، نگرش رادیکال‌تر یا ادبیات رادیکال‌تر و صریح‌تری که ناشی از گذارهای روان‌شناختی است را پدید آورده است. در دوره نخست جدایی دین از دولت را به عیان در نگاه بازرگان می‌بینیم، که در دوره سوم شدت و حدت می‌یابد، البته تغییراتی نیز می‌کند، اما نمی‌توان از تغییر نگرش کامل سخن گفت.

سوسیالیست‌های اسلامی نیز تطور جدی قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند. البته برخی طیف‌های آن نزدیکی بیشتری با لیبرالیست‌های اسلامی می‌یابند. به ویژه در مبانی اقتصادی که از بحث پژوهش حاضر خارج است.

عدالت‌گرایان اسلامی اگرچه در دوره تأسیس و دوره تثبیت حضور دارند و اندیشه‌هایشان را در درون جناح‌های نظام، به ویژه چپ مذهبی رسوخ داده‌اند، اما تشخیص و تمیزی ندارند. در دوره سازندگی و اصلاحات و اصول‌گرایی، تشخیص و تمیز بیشتری یافته و بر طیف‌های عدالت‌خواه و تحول‌گرای راست و اصول‌گرا، تأثیر قابل توجهی دارند. عدالت‌گرایی اسلامی که در دوره سازندگی، اصلاحات در آوینی و در دوره اصول‌گرایی در رحیم‌پور ازغدی متبلور است، تطور و تحول جدی نمی‌یابد. جز آنکه آوینی در اواخر عمر آغوش بازتر و برخورد دیالکتیک مثبت‌تری نسبت به مخالفان و رقبای فکری خود بروز می‌دهد.

نکته دیگر تغییر در ادبیات برخی موضوعات یا تغییر در جوانب و ابعاد موضوع است؛ مثلاً در موضوع ولایت فقیه ابعاد و جوانب و نقطه تمرکز مناقشه متفاوت است. در دوره نخست مناقشه بر سر اصل حق فقها در زعامت سیاسی است. در دوره دوم مناقشه بر سر مطلقه یا مقیده بودن آن است. در دوره دیگر نحوه اعمال و تقید یا عدم تقید آن به قانون اساسی مطرح است. گاهی نیز ادبیات مناقشه متفاوت است، مثلاً ادبیات اسلام و حاکمیت ملی در دوره نخست به اسلام و دموکراسی (مردم‌سالاری) در دوره سوم تغییر می‌کند. یا موضوع جامعیت در دوره نخست، به قلمرو دین در دوره‌های سوم و چهارم تغییر ادبیات می‌دهد.

منابع

- آذری قمی، احمد (۱۳۶۴). احکام مالیات. نور علم، شماره ۱۱.
- آذری قمی، احمد (۱۳۶۴). خط امام و ویژگی‌های آن. تهران: بنیاد فرهنگی باقرالعلوم.
- اشتراس، لئو (۱۳۷۳). فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۴۱). مرز میان دین و سیاست. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بانگ رحیل. حوزه، ۱۳۶۷، ۵(۲۸)، ص ۳-۲۴.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۳ الف). کلام سیاسی شیعه. شیعه‌شناسی، شماره ۵.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۲). چیستی کلام سیاسی. قیاسات، شماره ۲۸.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۳ ب). روش‌شناسی کلام سیاسی. علوم سیاسی، شماره ۲۸.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). ولایت، رهبری، روحانیت. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
- پیمان، حبیب‌الله (۱۳۸۱). مردم‌سالاری از منظر ارزش‌های دینی. آفتاب، ۳(۲۲)، ص ۲۸-۲۹.
- پیمان، حبیب‌الله (۱۳۸۴). سکولاریته دینی. چشم‌انداز ایران، شماره ۳۳.
- پیمان، حبیب‌الله (اسفند ۱۳۷۹). بررسی و نقد مبانی اندیشه سیاسی شیعه: تمایز امامت از امارت. قابل دسترس در: www.habibollahpeyman.com
- جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۸۶). سیر تطور کلام شیعه: از عصر غیبت تا خواجه نصیرالدین طوسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفری، محمد (۱۳۸۸). مکاتبات محمد جعفری با آیت‌الله منتظری (از ۶ شهریور تا ۲۰ آذر ۸۸). قابل دسترس در: <https://mohammadjafarim.com/wp-content/uploads/2018/02/Mokatebat-Jafari2Montazeri060688ta201088-V4-030110-Ba-Asle-Asnad.pdf>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). ولایت فقیه. قم: نشر اسراء.
- حائری یزدی، مهدی (۱۹۹۵م). حکمت و حکومت. لندن: شادی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). انتظارات بشر از دین. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۰، ۱۵.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۹۰). بررسی ادوار مختلف در میراث کلامی شیعه. کتاب ماه دین، شماره ۱۶۳.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۷). کلام شیعی، ماهیت، تحولات و چالش‌ها. اخبار شیعیان، شماره ۳۸.
- شریعتی، علی (۱۳۷۵). مجموعه آثار. تهران: سهامی انتشار، چاپ دوم، ج ۵.
- فناپی، ابوالقاسم (۱۳۹۱/۴/۶). راهی برای انتخاب الگوی توسعه مطلوب. روزنامه خراسان، شماره ۱۵۱۸۱، ص ۴۴-۵۳.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۷). کلام شیعه ماهیت، مختصات و منابع. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کدیور، محسن (۱۳۷۷/۱۰/۲۳). مرزهای آزادی از منظر دین. عصر ما، شماره ۱۱۲.
- کدیور، محسن (۱۳۸۱/۹/۳). ولایت فقیه و دموکراسی. در سی و ششمین کنفرانس سالانه انجمن مطالعات خاورمیانه - واشنگتن

مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۳). *تأملاتی در قرائت انسانی از دین*. تهران: طرح نو.

مصاحبه با آیت‌الله شریعتمداری. *روزنامه اطلاعات*، ۲۰ آذر ۱۳۵۸، ص ۲.

مصاحبه مطبوعاتی آیت‌الله شریعتمداری. *روزنامه اطلاعات*، ۲۲/۸/۱۳۵۸.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۵/۷/۱). *بیانات در دیدار با مدیران مدارس علمیه استان خوزستان*. قابل دسترس در:

<https://mesbahyazdi.ir/node/7131/%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8%DB%8C-%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%86%D8%8C-%D8%B1%D8%A7%D9%87%E2%80%8C%D8%AD%D9%84-%D8%AC%D9%84%D9%88%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%AF%D9%86-%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85>

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *اندیشه سیاسی اسلام*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ج ۱.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا، ج ۲، ۴.

ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹/۷/۲۷). *حاکمیت دینی... نواندیشان دینی، جنبش اصلاح طلبی*. *روزنامه ایران*.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۴/۲/۸). *صورت مکتوب نشست «حکومت دینی و سکولاریزم»*. دفتر تبلیغات اسلامی. قابل دسترس در:

<https://www.youtube.com/watch?v=jGa-D4sgcIw>

ملکیان، مصطفی؛ خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴/۳/۱۰). *میزگرد «دین در جهان معاصر»*. *روزنامه اعتماد*، شماره ۳۲۵۷، ص ۸.

منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*. قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه و دارالفکر،

ج ۱.

نهضت آزادی ایران (۱۳۶۷). *تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه*. تهران: نهضت آزادی ایران.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۶۲/۱۰/۳۰). *خطبه‌های نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در:

<https://rafsanjani.ir/records/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2>